

سلام اللہ علیہا
نور فاطمہ زہرا



کتابخانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کمیل و دعایش

نویسنده:

حاج شیخ عباس مخبر دزفولی

ناشر چاپی:

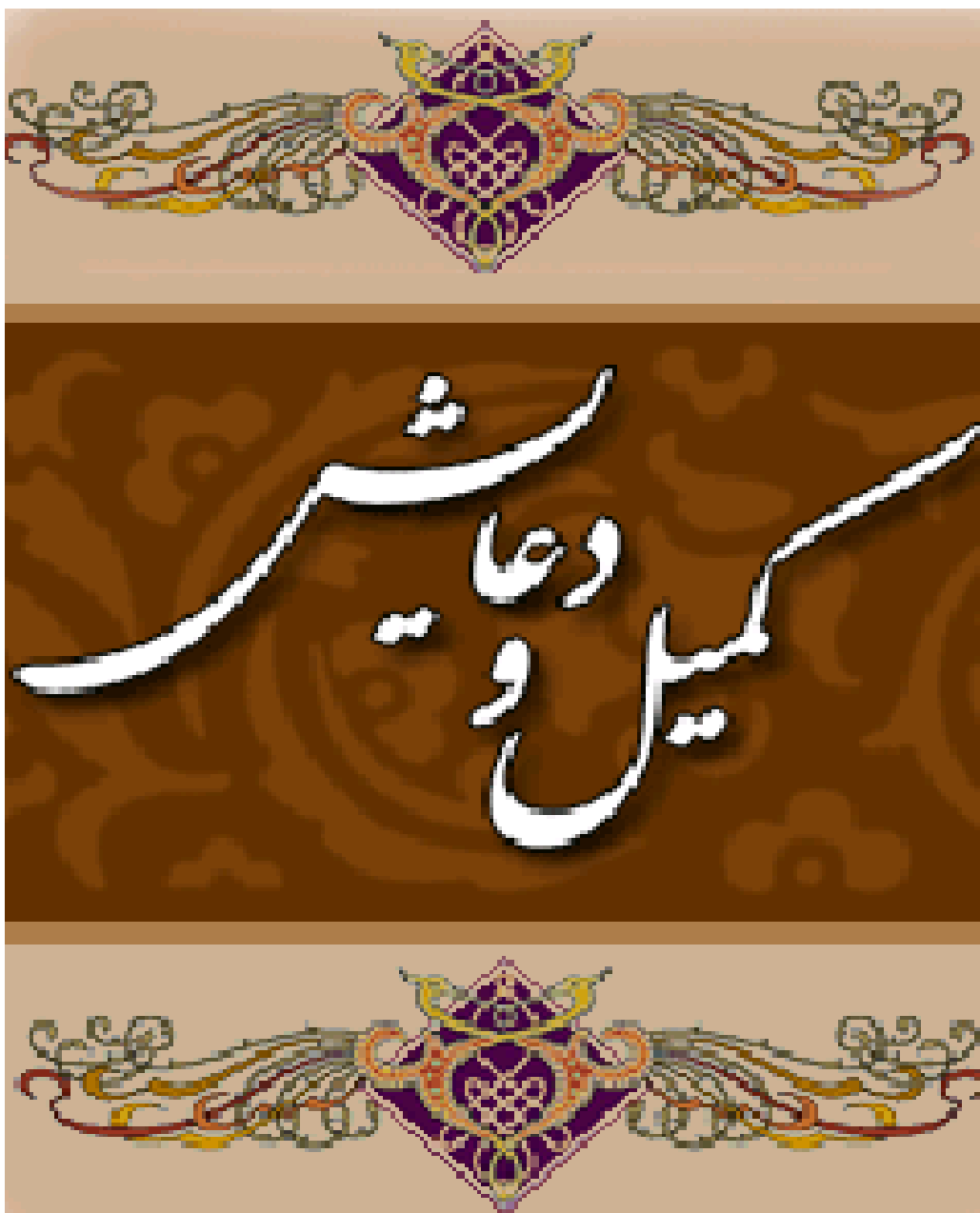
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	کمال و دعایش
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه دفتر
۶	مقدمه
۶	کمال کیست؟
۱۰	مدرك دعای کمال
۱۱	سخنان علی علیه السلام به کمال
۱۵	فضلیت و اهمیت دعا و آداب آن
۱۵	۱ - فضلیت و اهمیت دعا
۱۶	۲ - آداب دعا
۱۹	پی نوشتها
۲۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



دانشمندان علم رجال و درایه درباره کمیل چنین گفته اند : شیخ طوسی در کتاب رجال خود کمیل را از اصحاب امیرالمؤمنین و امام حسن مجتبی (علیهما السلام) ذکر کرده است . ابن ابی الحدید که از علماء بزرگ اهل سنت است درباره کمیل می گوید : (کان من شیعه علی و خاصته (۱) کمیل از شیعیان خاص امیرالمؤمنین بود) . و حجاج بن یوسف او را با کسانی که با او در پیروی از امیرالمؤمنین شریک بودند - به جرم شیعه بودن به قتل رسانید . او می گوید : کمیل عامل و فرماندار امیرالمؤمنین بود در شهری به اسم (هیت) که گویا در کنار فرات بود ، ولی کمیل در اداره کردن حوزه ماءموریتش تسلط کافی نداشته بطوری که لشکر معاویه بعضی از آبادیها و روستاهای او را مورد حمله قرار داد و کمیل نتوانست از آنها دفاع بکند و این برای او نقطه ضعفی بود و برای جبران کردن آن به بعضی از قرائی که تحت تصرف معاویه بود حمله نمود . امیرالمؤمنین به او اعتراض کرد و این جمله ارزنده را فرمود : (ان من العجر الحاضر ان یهمل الوالی ما ولیه و یتکلف مالیس من تکلیفه (۲) یکی از دلائل ضعف یک مسؤل این است که موارد وظیفه خود را انجام ندهد و چیزی که وظیفه او نیست آن را انجام دهد) . ذہبی که یکی از علمای بزرگ اهل سنت است درباره کمیل چنین می گوید : (کان شریفا مطاعا ثقة عابدا علی الشیعه قليل الحدیث قتله الحجاج کمیل مردی شریف و در میان قومش مورد احترام بود و دستورات او را اطاعت می کردند . مردی مورد اطمینان و در پیروی امیرالمؤمنین و اطاعت خدا می کوشید و کم سخن ، می گفت قاتل او حجاج بن یوسف بود) . علامه معاصر صاحب قاموس الرجال در توثیق کمیل می گوید : سید بن طاووس که از علمای بزرگ است در کتاب (کشف المحجۀ) که آن را برای فرزندش نوشته و وصایای خود را باو می نماید می گوید : بعد از جنگ نهروان مردم از امیرالمؤمنین راجع به خلفاء سؤل نمودند ، حضرت به عبدالله بن عباس فرمود که ده نفر از اشخاص مورد اطمینان را برای گواهی احضار کن ، یکی از آنها کمیل بود که حضرت او را مورد اطمینان قرار داد . مرحوم حاج میرزا هاشم خراسانی در کتاب منتخب التواریخ ، معاصرین امیرالمؤمنین را به سه دسته : حواریین ، یاران ، و خواص اصحاب آن حضرت تقسیم می نماید . حواریین امیرالمؤمنین را چهار نفر : عمر و بن حنظل ، میثم تمار ، محمد بن ابی بکر و اویس قرنی ذکر کرده . و خواص اصحاب حضرت بسیاریند ، از جمله آنها کمیل بن زیاد را ذکر نموده . سپس می گوید : کمیل از بزرگان تابعین بود که حجاج بن یوسف در سال هشتاد و سه هجری در سن نود سالگی او را به قتل رسانید . شیخ مفید که از بزرگان شیعی متوفی ۴۱۳ و مورد توجه ولی عصر بوده است ، در کتاب ارزنده اش الارشاد می گوید : هنگامی که حجاج فرماندار کوفه شد کمیل بن زیاد را طلبید ، جناب کمیل چون خون آشامی حجاج را می دانست مدتی متواری شد . حجاج حقوق و مزایای طائفه و قوم کمیل را قطع کرد . وقتی کمیل فهمید با خود اندیشید که من در سنین پیری هستم و شایسته نیست که خوشاوندانم به واسطه من در مضیقه و ناراحتی قرار گیرند ، لذا خود را به ماءموران حجاج معرفی نمود . وقتی چشم حجاج به کمیل افتاد گفت من خیلی دوست داشتم که به تو دست یابم . کمیل گفت : از عمر من چیزی باقی نمانده لیکن موعد خدای تعالی است و بعد از قتل نیز حساسی است و مولایم امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به من خبر داده که تو قاتل منی . حجاج گفت : آری ، تو در کشتن عثمان شرکت داشته ای . سپس حجاج ملعون امر کرد گردن این پیر مرد صحابی را با شمشیر زدند . صدوق (علیه الرحمه) که از بزرگان علمای شیعی و در حدود دویست کتاب و تالیف از او به جای مانده در کتاب امالی خود گوید : امیرالمؤمنین دست کمیل را گرفت و به صحرا برد و آهی کشید و فرمود : (الناس ثلثه عالم ربانی و متعلم علی سبیل نجاه و همج رعاع اتباع کل ناعق یمیلون مع کل ریح لم یستضیئوا بنور العلم یلجأوا الی رکن ، یا کمیل العلم خیر من المال العلم یحرسک و انت تحرس المال و المال تنقصه النفقه و العلم یزکو بالانفاق . یا کمیل العلم دین یدان به یکسب الانسان الطاعه فی حیاته و جمیل الا حدوثة بعد وفاته و العلم حاکم و المال محکوم علیه با کمیل هلك خزان الاموال و هم احياء و العلماء باقون ما بقى الدهر اعيانهم مفقوده و امثالهم موجوده) . (۲) (مردم سه دسته اند : گروهی عالم ربانیند (در معارف حقه و علم مبداء و معاد دانا هستند) و گروهی متعلم اند ، و دسته سوم مردم فرومایه اند که مانند مگسها بهر طرف باد وزیدن گیرد به آن طرف حرکت می کنند از روشنایی علم بهره نیافته اند و متکی به یک

تکیه گاه محکم نیستند. کمیل! علم بهتر از مال است، زیرا تو مال را نگهداری می کنی در صورتی که علم تو را نگهداری می نماید، مال به واسطه بخشش کم می شود، اما علم بوسیله انفاق زیاد می گردد. ای کمیل! علم برنامه ای است که انسان به آن عمل می کند، به وسیله علم به دین است که انسان در حال حیات می تواند خدا را اطاعت کند و بعد از مرگ اثر خیر او باقی بماند - ای کمیل! علم حاکم است و مال محکوم علیه است. ای کمیل! خزانه داران مال و ثروت هلاک شدند و خزانه داران علم و دانشها زنده اند، و علماء و دانشمندان تا روزگار باقی است جاودانند. بدنهای آنها از نظر پنهانست اما نشانه های آنها در دنیا موجود است). طریحی صاحب کتاب معروف (مجمع البحرین) می گوید: کمیل از بزرگان اصحاب امیرالمؤمنین و صاحب سر آن حضرت. بعد از آن در ماده (نفس) می گوید: کمیل از امیرالمؤمنین سؤال کرد از شما تقاضا دارم که نفس مرا به من معرفی فرمایید. حضرت فرمود مقصود شما کدام نفس است. عرض کرد مگر انسان بیش از یک نفس دارد. حضرت مفصلاً بیان کرد که انسان دارای چهار نفس است: ۱ - نامیه نباتی ۲ - حسیه حیوانی ۳ - ناطقه قدسی ۴ - کلیه الهی. و هر یک از اینها دارای پنج قوه و نیرو و دو خاصیت هستند. (نامیه نباتی) دارای پنج نیرو است: ۱ - ماسکه ۲ - جاذبه ۳ - هاضمه ۴ - دفعه ۵ - مربیه؛ یعنی نیروی نظم دهنده در اعضاء. اما دو خاصیت، کم و زیاد شدن آنها است. و منشاء این نیروها کبد می باشد و این دو خاصیت نزدیک به حیوانیت است. (حسیه حیوانی) نیز دارای پنج نیرو است: ۱ - بینایی ۲ - شنوایی ۳ - بویایی ۴ - چشایی ۵ - لامسه. که همان حواس پنجگانه می باشند. و دو خاصیت آن، رضا و غضب است و منشاء آنها قلب است و این دو صفت شبیه به درندگانست. (ناطقه قدسی) نیز دارای پنج نیرو است: ۱ - فکر ۲ - ذکر ۳ - علم ۴ - حلم ۵ - آگاهی، و اینها منشاء جسمی ندارند بلکه انسان از این بعد شبیه ترین مخلوقات به ملائکه است. و دو خاصیت این نفس، پاکیزه بودن و حکمت است. (کلیه الهی) دارای پنج نیرو است: ۱ - بقاء در فنا ۲ - نعمت در سختی و شقاء ۳ - عزت در ذلت ۴ - فقر در غنا ۵ - صبر در بلا. و این نفس دارای دو خاصیت است: ۱ - حلم و بردباری ۲ - کرم و بزرگواری. و این نفس کلیه الهیه است که مبدء آن خدای تعالی است که می فرماید: (و نفخت فیه من روحی) (۳) و بازگشت آن به سوی خدای تعالی است چنانچه می فرماید: (ارجعی الی ربک راضیه مرضیه) (۴) سپس امیرالمؤمنین به کمیل فرمود. عقل و خرد در وسط اینهاست تا هر کس هر چه بگوید یا قضاوت کند از روی قیاس و میزان معقول باشد. بعد از بیان این مطالب صاحب روضات الجنان گوید: این جریان کمیل با امیرالمؤمنین از حکمتهایی است که کمتر در کتابهای حدیث نظیر آن دیده می شود و خود دلالت دارد که کمیل دارای معرفتی کامل و منزلتی بزرگ و در معنویات دارای مقامی رفیع و قدری منبع بوده است. نیشابوری در رجال خود گوید که: کمیل از خواص اصحاب امیرالمؤمنین است که حضرت او را ردیف خود بر شتر سوار کرد سپس کمیل از امیرالمؤمنین سؤال کرد: یا امیرالمؤمنین (ما الحقیقه فقال مالک و الحقیقه فقال اولست صاحب سرک قال بلی ولكن یرشح علیک ما یطفح منی فقال او مثلك تخیب سائلا فقال الحقیقه کشف سبحات الجلال من غیر اشاره فقال زدنی بیانا قال (علیه السلام) محو الموهوم و صحو المعلوم فقال زدنی بیانا قال هتک السر لغلبه السر فقال زدنی بیانا قال نور یشرق من صبح الازل فیلوح علی هیا کل التوحید آثاره فقال زدنی بیانا فقال اطف السراج فقد طلع الصبح). از امیرالمؤمنین سؤال می کند که حقیقت چیست؟ - ظاهراً مقصود کمیل سؤال از حقیقت ذات مقدس است - لذا امیرالمؤمنین به او می فرماید (تو کجا، حقیقت ذات کجا؟) به قول شاعر برد خرد پی به کنه ذاتش اگر رسد خس به قعر دریا (کمیل اصرار می کند که آیا من صاحب سر تو نیستم؟ حضرت فرمود بلی تو صاحب سر من هستی ولی رشحه هایی که از اسرار درونی من سرریز می کند به تو می رسد. عرض می کند آیا شخصی مثل شما سائل را مایوس می کند؟ با این اصرار حضرت شروع می کند به بیان این مطالب که حقیقت کشف سبحات جلال است بدون اشاره، یعنی حقیقت ذات را جز از طریق کشف نمی شود درک کرد. یا این که حقیقت ذات را جز از طریق تنزیه نمی شود شناخت - یعنی ذات مقدس را منزّه دانستن از تمام چیزهایی که ما آن را تصور می کنیم. عرض کرد بیش از این بیان فرمایید. فرمود: انسان باید بداند که خدا در وهم او نیاید.

همان طوری که در جایی دیگر امیرالمؤمنین فرمود (کلمامیز تموهم باوها مکم فی ادق نظر فهو مخلوق مثلکم مردود الیکم) یعنی آنچه در وهم شما باید خدا نیست و مخلوق شما است. (وصحو المعلوم) یعنی علم با آگاهی یا مقصود آنست که معلومات انسان به کشف و روشنائی کامل برسد، که تقریباً جمله دوم بیانی است برای جمله اول که (محوالموهم) باشد. یعنی هنگامی که انسان از عالم موهمات رها شد و علم خالصی پیدا کرد که در او هیچ گونه وهمی نباشد آنجاست که علم کشف حقیقت می کند. چون (صحو) در لغت به معنی بر طرف شدن ابر، و صاف شدن هوا است که تقریباً موهمات به منزله ابر است که جلو معلومات را می گیرد، وقتی آن ابر موهمات برطرف شد آفتات حقیقت ظاهر می شود که (صحوالمعلوم) است. عرض کرد بیشتر بیان فرمایید. حضرت فرمود پاره نمودن حجاب به واسطه غلبه سر. بعد کمیل عرض کرد بیشتر بیان فرمایید. حضرت فرمود: نوری است که از صبح ازل تابیدن می گیرد و آثار آن بر هیكلهای توحید پرتو می افکند. عرض کرد بیشتر بیان فرمایید. فرمود چراغ را خاموش کن که صبح طالع گردید. این جملات از فرمایشات امیرالمؤمنین (علیه السلام) جزء جمله های عمیق و پرمعنی و شاید جزء اخبار متشابهات باشد. عرفاء درباره آنها خیلی بحث و تحقیق کرده اند، از آن جمله فیلسوف ارجمند ملا عبدالرزاق لا هیجی صاحب شوارق در تحقیق این فرمایشات گوید: چون کمیل از اصحاب دل بوده و در خواست مقام ولایت که مقام فناء در ذات است می نمود و حال او اقتضای سؤال از حقیقت نمود، لذا حضرت جواب او را طوری فرمود که دلالت داشت که آن مقام مقامی عیالست؛ یعنی امیرالمؤمنین به دیگری این طور مطالب را نفرمود، اولاً او را ترغیب می کند به سیر و سلوک لایق به اهل حال، کمیل عرض می کند آیا من صاحب سر تو نیستم حضرت فرمود بلی تو صاحب سر من هستی ولی چون دیگ سینه من بجوش آید آنچه از او سرریز می کند به تو می رسد. کمیل اصرار می کند و عرض می کند شخص کریمی مثل شما سائل را مایوس می کند؟ حضرت فرمود (الحقیقه کشف سبحات الجلال من غیر اشاره) یعنی حقیقت آنست که کثرتها که وجود موهم دارند در هنگام روشن شدن چراغ علم محو و متلاشی شوند و غیر حق چیزی باقی نماند و تجلی نکند. قاضی نورالله شوشتری در کتاب مجالس المؤمنین می گوید: شیخ کامل مکمل: کمیل بن زیاد نخعی (قدس سره) ت کمیل کننده موحدین یار و همدم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است. آن حضرت را رسم بودی که چون علوم و اسرار در باطنش موج زدی و خواستی که گوهر عرفانی بیرون اندازند کمیل را پیش خواندی و بر او جواهر اسرار افشاندی، سپس جریان خطبه (مالحقیقه) را که گذشت ذکر می کند. اعثم کوفی در تاریخ خود گوید: عثمان در زمان خلافتش دستور داد که مالک اشتر و دوستان وی را از کوفه به شام نزد معاویه ببرند وقتی به نزد معاویه رسیدند سلام کردند و نشستند. معاویه جواب سلام داد و ایشان را احترام کرد و گفت: ای قوم از خدا بترسید (ولا تکنوا کالذین تفرقوا واخلوا من بعد ما جائهم البینات نباشید از کسانی که ایجاد تفرقه و اختلاف نمودند بعد از آن که دلائل حق برایشان روشن شده بود) یعنی معاویه سوء استفاده از آیه کرد. کمیل که از همراهان مالک اشتر بود فوری به معاویه جواب داد: ای معاویه! (فهدی الله الذین امنوا بما اختلفوا فیه من الحق باذنہ خدای تعالی راه راست را نشان آن قومی داد که درباره پیدا کردن حق اختلاف کردند) والله ای معاویه ما آنها هستیم. معاویه گفت: ای کمیل چنین نیست که تو می گویی. این آیه در شأن جماعتی است که ایشان اطاعت خدا و رسول و اولی الامر را نمودند و کارهای نیکویی که اولی الامر نموده مخفی نکردند و معائب او را آشکار نمودند. و مقصودش از این حرفها خودش بود. کمیل گفت اگر عثمان بر تو اعتماد نداشت تو را نگاهبان نمی کرد و ما را نزد تو نمی فرستاد. مالک گفت ای کمیل بگذار تا بزرگتر از تو سخن بگویم، چون اشتر از او بزرگتر بود. کمیل خاموش شد و اشتر شروع به سخن گفتن نمود و گفت: ای معاویه! تو نیکو می دانی که خدای تعالی این امت را به واسطه رسالت پیغمبر اسلام گرامی داشت و همچنین به سبب او این امت را بر دیگران برگزید. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به اندازه ای که مقدر بود در میان مردم زندگی کرد و چون اجل حتمی او فرار رسید به جوار رحمت الهی انتقال یافت، بعد از وفات او جماعتی مردمان صالح مدتی بر کتاب خدا و سنت رسول الله عمل کردند - خدا به ایشان جزای خیر بدهد - بعد از ایشان چیزهایی حادث شد که نه بر قانون خدا

بودند و نه مؤمنین آن را پسندیدند ، بلکه آنها را انکار نمودند و امروز اگر چنانچه حکومت‌های ما به راه حق بروند از ایشان خوشنودیم اگر بر خلاف حق بروند خدای تعالی از اعمال ایشان خبر داده که می فرماید : (واذ اخذ الله ميثاق الذين اتوا الكتاب لتبيننه للناس ولا تكتمونه فنبذوه و راء ظهورهم و اشتروا به ثمنا قليلا فبس مايشترون) (۵) یعنی (خدای تعالی از مؤمنین پیمان گرفته (یعنی کسانی که احکام خدا را پشت سر انداخته و به پول کمی آنرا خریداری کردند ، هان ای معاویه ما آنها نیستیم . گفتگوی مالک و معاویه طولانی است ما به قدر حاجت که مربوط به کمیل بود از آن نقل کردیم . صوفیه کمیل را یکی از چهار ولی می دانند که از چهار امام خرقة گرفته اند . صاحب طرائق الحقائق چنین می گوید : مرحوم میرزا محمد تقی ملقب به مظفر علی شاه کرمانی در کتاب (بحر الاسرار) می گوید : طریقه حقه از چهار امام به وساطت چهار ولی از شیعیان خاص اهل بیت جاری و در میان مردم منتشر گردیده ۱ - از مولانا امیرالمؤمنین ، اسدالله الغالب ، علی بن ابی طالب (علیه السلام) به واسطه کمیل بن زیاد . ۲ - از سید الساجدین به واسطه ابراهیم ادهم . ۳ - از مولینا جعفر بن محمد صادق به واسطه با یزید بسطامی . ۴ - از حضرت رضا (علیه السلام) به واسطه معروف کوفی .

مدرک دعای کمیل

برخی از مدارک دعای کمیل و یا کتابهای که این دعا را نقل کرده اند عبارتند از : ۱ - ابوجعفر محمد بن حسن علی شیخ طائفه حقه شیعه معروف به شیخ طوسی (رضوان الله علیه) متولد ۳۸۵ و متوفی ۴۶۰ که به عقیده کلیه علمای رجال از اکابر علمای شیعه و مرجع فضلالی زمان بوده و دو کتاب از کتب اربعه (تهذیب و استبصار) از آثار آن بزرگوار است . و بسیار جلیل القدر و عظیم المنزله و در تمام علوم دینی خبیر و در علم و عمل و کمالات نفسانی بی نظیر بوده است . وی در کتاب (مصباح المتعجد) درباره دعای کمیل چنین گوید : روایت شده که کمیل بن زیاد امیرالمؤمنین را دید که : در شب نیمه ماه شعبان در حال سجده این دعا را می خواند سپس شروع می کند به دعای مشهور کمیل . ۲ - علامه بهبهانی (معروف به استاد الكل فی الكل) متوفی ۱۲۰۶ که در حدود دویست تالیف دارد ، در تعلیقات خود راجع به کمیل می گوید : (و هو المنسوب اليه الدعاء المشهوره کمیل کسی است که دعای مشهور منسوب به او است) . ۳ - علامه مجلسی (ملا محمد باقر متوفی ۱۱۱۱ صاحب کتاب بزرگ (بحار الانوار) که چاپ جدید آن یکصد و ده جلد شده است) در کتاب (زاد المعاد) که کتابی است در ادعیه در اعمال شب نیمه شعبان چنین می گوید : چون دعای کمیل بن زیاد که از خواص اصحاب حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است بهترین دعاهاست و از دعاهای این شب است و در اوقات دیگر نیز می توان آن را خواند با ترجمه ، در اینجا ایراد می نماید که در وقت خواندن یادآور معانی آن باشند تا فائده اش تمامتر و ثوابش عظیم تر باشد . نکته ای که باید ذکر شود اینست این قسمت از روی نسخه خطی زاد المعاد نوشته گردیده که در آخر نوشته شده : که این نسخه از روی دستخط خود مجلسی نوشته شده است که تاریخ آن ۱۱۰۷ است ، که تقریباً چهار سال قبل از وفات مجلسی بوده . ۴ - سید بن طاووس متوفی سال ۶۶۵ که از بزرگان علمای شیعه و بعضی گفته اند جزو کسانست که به زیارت حضرت مهدی (علیه السلام) مشرف شده در کتاب (اقبال الاعمال) روایت کرده که کمیل بن زیاد گفت : روزی با مولایم حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در مسجد بصره نشسته بودم ، شب نیمه شعبان را یادآور شدیم ، حضرت فرمود هر بنده ای آن شب را به عبادت و احیاء بگذارند و دعای حضرت خضر (علیه السلام) را در آن شب بخواند البته دعای او مستجاب گردد . چون حضرت به منزل آمد شب به خدمت او رفتم ، چون مرا دید پرسید ای کمیل برای چکار آمده ای . عرض کردم برای دعای خضر آمده ام ، فرمود بنشین ، ای کمیل ! چون این دعا را حفظ نمایی و هر شب جمعه یک مرتبه و یا در هر ماهی یک مرتبه و یا در هر سالی سکه مرتبه ، یا در هر عمری یک مرتبه بخوانی شر دشمنان از او دفع و خدا تو را یاری می کند و رزق و روزی تو زیاد می گردد و گناهان تو آمرزیده گردد ، ای کمیل ! چون مدتی زیاد در مصاحبت من به سر بردی تو را شایسته آن دیدم که با

این دعای مبارک ممتاز و سرافراز گردانم . پس فرمود بنویس و خود حضرت املاء فرمودند و من نوشتم . سپس سید بن طاووس شروع می کند به نقل دعای معروف . ۵ - محدث قمی (حاج شیخ عباس) صاحب (مفاتیح الجنان) در (منتهی الآمال) در شرح حال کمیل گوید : دعای مشهور که در شب نیمه شعبان و شبهای جمعه می خوانند منسوب به آن جناب است . لازم به تذکر است که مرحوم حاج شیخ عباس قمی جزو علماء رجالی است که معروف است . مرحوم آیت الله العظمی بروجردی گاه گاه در علم رجال به ایشان مراجعه می کرد . ۶ - مرحوم حاج میرزا هاشم خراسانی که خود محقق کم نظیر بوده در کتاب ارزنده اش (منتخب التواریخ) در شرح حالات کمیل بعد از آن که جریان شهادتش را به دست حجاج نقل می کند می گوید : دعای کمیل که در شبهای جمعه و شب نیمه شعبان خوانده می شود منسوب به ایشان است . ۷ - علامه معاصر حاج شیخ محمد تقی شوشتری در کتاب (قاموس الرجال) در ضمن حالات کمیل می گوید : صاحب دعای منسوب به او کار در شبهای جمعه و نیمه شعبان خوانده می شود . البته در ضمن روایت سید بن طاووس را نقل می کند که مذکور شد . ۸ - شیخ کفعمی (ابراهیم بن علی بن الحسن جبل عاملی) از علمای قرن هشتم که در اکثر علوم اسلامی ماهر و مردی زاهد و با تقوی بوده است و دارای کتابهای متعددی از آن جمله کتاب (بلد الامین) و (مصباح کفعمی) که جزو کتب دعا و بسیار معروف است در اعمال نیمه شعبان در ضمن دعاها آن شب می گوید : (ثم ادع بماروی ان امیرالمؤمنین یدعوا به لیلہ النصف من شعبان و هو ساجد) (۶) یعنی در نیمه شعبان این دعا را که از امیرالمؤمنین روایت شده بخوان که حضرت در حال سجود آن را می خواند . محدث قمی تاریخ وفات کفعمی را نقل نمی کند ولی می گوید تاریخ تصنیف کتاب مصباح ۸۹۵ است . بعد در کتاب (هدیه الاحباب) گوید : (کفعم) بر وزن (زمزم) قریه ای است از جبل عامل . نویسنده این اوراق گوید : از مطالب گذشته این طور نتیجه می گیریم که : ۱ کمیل از شخصیتهای بزرگ مورد اطمینان بلکه صاحب سر امیرالمؤمنین بوده است و علمای رجال همه او را مورد اطمینان دانسته اند . ۲ - بزرگانی که ذکر شدند این دعا را به کمیل نسبت داده اند . ۳ - اصطلاحی در میان علمای ما است تحت عنوان (تسامح در ادله سنن) ؛ یعنی آن طوری که در ادله واجبات بحث و تحقیق و دقت می کنند که این روایت یا روایات باید با چه شرائطی باشد تا یک حکم واجب یا حرام را از آن استنباط کنند ، آن شرائط را در مستحبات لازم نمی دانند چون مستحبات امری جزمی نیستند . ۴ - بزرگانی که شرح بر دعای کمیل نوشته اند - مانند حاج کلباسی که از بزرگان محدثین و علماء بوده است و همچنین علامه سبزواری که شرحی علمی بر آن نوشته - تکیه بر شهرت دعا نموده و اصلاً آن را مستغنی از بیان سند دانسته اند ، و در خیلی از کتب ادعیه سندی برای دعا ننوشته اند یعنی شهرت آن به قدری بوده است که احساس نیاز به ذکر سند نکرده اند . ۵ - فقرات دعا و جامعیت آن جهات فصاحت و بلاغت آن کاشف است که از منشآت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است . ۶ - سنخیت دعا با دعاها امیرالمؤمنین . ۷ - یک عمل مستحب که مناجات با خدا است و در هر حال مطلوبست چنانکه خطاب به موسی شد اذکرنی علی کل حال یعنی موسی ! در هر حالی مرا یاد کن) - و بیش از این نیاز به دلیل ندارد به خصوص اگر به رجاء ثواب خوانده شود - و الله العالم .

سخنان علی علیه السلام به کمیل

در خلال مطالعات بر خورد نمودم به ملحقات تفسیر (اصفی) (۷) تاءلیف محقق ارجمند و فیلسوف و فقیه بزرگوار مرحوم فیض کاشانی که در آنجا نقل از نسخه نفیس منحصر به فردی از نهج البلاغه سخنان امیرالمؤمنین را به کمیل ذکر کرده که شاید در خیلی نسخه های نهج البلاغه نباشد و در آن در حدود صد مرتبه امیرالمؤمنین (یا کمیل) می فرماید که دارای دستوراتی اخلاقی و عرفانی و توحیدی است ، لذا برای کمیل این جزوه در اینجا با ترجمه ذکر می نمایم تا - ان شاء الله - مورد استفاده عموم برادران و خواهران قرار گیرد . روایت از حسن بن شعبه حرانی صاحب تحف العقول (۸) است که با یک سلسله اسناد از سعد بن زیدبن ارطاة نقل می کند که گوید : کمیل بن زیاد را دیدم و از فضائل امیرالمؤمنین از او سؤال کردم ، در جواب گفت می خواهی تو را خبر

دهم به وصیتی که امیرالمؤمنین به من نموده و آن وصیت برای تو بهتر است از دنیا و هر چه در آن است . در جواب گفتم : آری ، بعد گفت امیرالمؤمنین به من چنین وصیت نمود . (یا کمیل سم کل یوم باسم الله و قل لاحول ولا قوة الا بالله . و توکل علی الله واذکرنا و سم باسمائنا وصل علینا . و ادر بذلک علی نفسک و ما تحوطه عنایتک ، تکف شر ذلک الیوم ان شاء الله) . ای کمیل ! هر روز (بسم الله الرحمن الرحیم) بگو ، و سپس ذکر (لا حول ولا قوة الا بالله) را بخوان و توکل بر خدا کن ، سپس اسامی ، (ائمه معصومین) را بگو و بر آنها درود و صلوات بفرست و به خدا پناه ببر و بعد به ما پناهنده شود ، و همچنین خود و اولاد و آنچه داری ، همه را به خدا و ما بسپار ، از شر آن روز مصون خواهی ماند . (یا کمیل ان رسول الله (صلی الله علیه و آله) ادبه الله وهو (علیه السلام) ادبني و انا اودب المؤمنین و اورث الاداب المکرمین) . ای کمیل ! به تحقیق ، پیغمبر را خدا ادب آموخت ، و پیغمبر مرا ادب آموخت و من مؤمنین را ادب می نمایم . آداب را من برای بزرگان به ارث گذاشتم . (یا کمیل مامن علم الا و انا افتحه و مامن سر الا-القائم (علیه السلام) یختمه) . ای کمیل ! هیچ علمی نیست مگر آنکه من آن را افتتاح کردم . و هیچ چیزی نیست ، مگر آنکه امام قائم (عج) آن را ختم کند . (یا کمیل ذریه بعضها من بعض و الله سمیع علیم ای کمیل ! (پیامبران و ائمه معصومین از یک نسل و شجره طیبه هستند که) بعضی تر ایشان از بعضی دیگرند ، و خداوند شنوا و آگاه است) . (یا کمیل لا تاخذ الا عنا تکن منا ای کمیل ! علمت را جز از ما مگیر ، تا از ما محسوب شوی) . (یا کمیل مامن حرکه الافانت محتاج فیها الی معرفه ای کمیل ! هر حرکت و کاری از تو نیاز به شناخت دارد (باید در کارها با شناخت و معرفت وارد شوی) . (یا کمیل اذا کلت الطعام فسم باسم الذی لایضر مع اسمه داء و فیه شفاء من کل الاسواء) . ای کمیل ! هنگام غذا خوردن ، (بسم الله) بگو که با آن ، هیچ چیز ضرر نمی رساند . و در اسم خدای شفای هر دردی است . (یا کمیل و آکل الطعام ولا تبخل علیه ، فانک لن ترزق الناس شیئا و الله یجزل لک الثواب بذلک احسن علیه خلقتک . و ابسط جلیسک . ولا تتهم خادمک) . ای کمیل ! هنگام غذا خوردن ، کسانی را با خود در غذا خوردن شریک کن و بخل مکن ، زیرا تو مردم را رزق نمی دهی . و خدا در این کار تو را ثواب بسیار عطا می فرماید . اخلاق خود را با وی (کسی که با تو غذا می خورد) نیکو کن و با گشاده روئی با وی برخورد کن و به خدمتگذار خود تهمت مزن و با او خشن رفتار نکن . (یا کمیل اذا اکت فطول اکلک لیستوفی من معک و یرزق منه غیرک) ای کمیل ! هنگامی که مشغول غذا خوردن می شوی ، غذا خوردن خود را طول بده تا کسانی که با تو غذا می خورند سهم خود را از سفره بگیرند . (و دیگران نیز از غذا و روزی خود استفاده کنند) . یا کمیل اذ استوفیت طعامک فاحمد الله علی ما رزقک بذلک صوتک یحمده سواک فیعظم بذلک اجرک) . ای کمیل ! وقتی که از غذا خوردن فارغ شدی ، سپاس خدا را در مقابل روزی که به تو داده ، به جا بیاور و هنگام سپاسگزاری صدای خود را بلند کن تا دیگران نیز سپاسگزاری کنند و بدین وسیله اجر تو زیاد شود . (یا کمیل لا توقرن معذلک طعاما ودع فیها للماء موضعا و للریح مجالا ولا ترفع یدک من الطعام الا و انت تشتهیه ، فان فعلت ذلک فانت تستمرئه ، فان صحه الجسم من قله الطعام و قله الماء) . ای کمیل ! معده خود را پر از غذا نکن و جائی برای آب و تنفس باقی نگهدار و دست از غذا خوردن برمدار مگر زمانی که هنوز به آن مایل باشی و اگر چنین کنی ، از غذا نیرو می گیری (یعنی غذا خوب جذب می شود) و بدان که سلامت بدن از کم خوردن و کم نوشیدن است . (یا کمیل البرکه فی مال من اتی الزکاه و واسی المؤمنین و وصل الاقربین) . ای کمیل ! برکت در مال کسی است که زکات می دهد و به مؤمنان یاری می کند و صله رحم می کند . (یا کمیل زد قرباتک المؤمن علی ما تعطی سواه من المؤمنین و کن بهم اراف و علیهم اعطف . و تصدق علی المساکین) . ای کمیل به قوم خویش مؤمن خود ، بیشتر از قوم خویش غیر مؤمن عطا و بخشش کن و به آنها مهربانتر باش و نسبت به آنان بیشتر عطوفت کن و به فقرا و مساکین صدقه بده . (یا کمیل لا ترد سائلا و لومن شطر حبه عنب اوشق تمره ، فان الصدقه تنمو عند الله) . ای کمیل ! نیازمندی را محروم نگردان ولو به نصف دانه انگور یا خرما باشد ، بدرستی که صدقه نزد خدا رشد می کند . (یا کمیل احسن حلیه المؤمن التواضع و جماله التعفف و شرفه التفقه و عزه ترک القال و القلیل) . ای کمیل ! بهترین زینت و آرایش مؤمن ، فروتنی است و

جمال او عفت و شرف او یاد گرفتن (احکام دین) و آبروی او، ترک بگو و مگو می باشد. (یا کمیل فی کل صنف قوم ارفع من قوم، فایاک و مناظره الخسیس منهم و ان اسمعوک و احتمل و کن من الذین و صفهم الله (و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما). ای کمیل! در هر صنفی، قومی است که بعضی (از نظر فکری) بالاتر از بعضی دیگرند. پس پرهیز از بحث و کشمکش با انسانهای پست. و اگر بگفته تو گوش فرا داد از او تحمل کن و از آنها باش که خدایتعالی ایشان را توصیف کرده که می فرماید: هر گاه طرف خطاب نادانان قرار گیرند، با آرامش با آنها برخورد می کنند. (یعنی ناسزای آنها را تحمل می کنند). (یا کمیل قل الحق علی کل حال و وادالمتقین و اهجر الفاسقین و جانب المنافقین ولا تصاحب الخائنین) ای کمیل! در هر حال حق را بگو و پشتیبان پرهیزکاران باش از فاسقین دوری کن و از منافقین اجتناب کن و با خائنین همنشین مباش. (یا کمیل لا تطرق ابواب الظالمین للاختلاط بهم و الا معهم و ایاک ان تعظمهم و ان تشهد فی مجالسهم بما یسخط الله علیک و ان اضطررت الی حضورهم فداوم ذکر الله و التوکل علیه و استعذ بالله من شرورهم و اطرق عنهم و انکر بقلبک فعلهم و اجهر بتعظیم الله تسمعهم، فانک بها توید و تکفی شرم). ای کمیل! در ظالمان را مکوب برای آنکه با آنها رفت آمد داشته باشی و با آنها کسب مال یا اعتبار کنی و پرهیز از تعظیم کردن و اطاعت ایشان یا حضور در مجالس ایشان به کاری که سبب غضب خدا بر تو گردد و اگر به حضور در مجلسشان ناچار شدی دائما به ذکر خدا باش و بر او توکل کن و از شر آنها به خدا پناه ببر و به تجملات آنها توجه نکن و در دل کارهای آنها را منکر باش و پیش آنها به خدا تعظیم کن و عظمت خدا را به آنها گوشزد نما زیرا تو بدین وسیله تاءید می شوی و از شر آنها ایمن می مانی. (یا کمیل ان احب ما تمثله العباد الی الله بعد الاقرار به و باولائه التعفف و التحمل و الا صطبار). ای کمیل! بهترین کاری که بندگان خدا پس از اقرار به خدا و اولیای خدا، می توانند انجام دهند، عفت و بردباری و صبر است. (یا کمیل لاتا الناس اقتارک و اصبر علیه احتسابا بعزوتستر). ای کمیل فقر و ناچاری خود را به مردم آشکار مکن و بر آنها صبر کن و برای خشنودی خدا و با عزت آنها را بپوشان. (یا کمیل لا باس ان تعلم اخاک سرک. و من اخوک؟ اخوک، الذی لایخذلک عند الشدیده ولا یقعده عنک عند الجریره ولا یدعک ختی تساله ولا یدرک و امرک حتی تعلمه، فان کان ممیلا فاصلحه). ای کمیل باکی نیست که برادرت را از سر خود آگاه سازی، اما کدام برادر؟ که هنگام سختی ترا پست نگرداند و هنگام جریر، (زیانهای مالی) پشتیبان تو باشد و عقب نشینی نکند و اگر چیزی از او پرسشی بر تو خیانت نکند و تو را تنها نگذارد تا بداند که تو گرفتاری نداری و اگر گرفتاری داشته باشی آن را اصلاح کند. (یا کمیل المؤمن من مرأه المؤمن، لانه یتامله فیسد فاقته و یجمل حاله). ای کمیل! مؤمن آئینه مؤمن است یعنی عیب های او را به او می گوید و تفقد حال او می کند و در فقر بیماری او را یاری می کند. (یا کمیل المومنون اخوه و لاشیء اثر عند کل اخ من اخیه ای کمیل مؤمنین با یکدیگر برادرند و هیچ چیز نزد برادر اولی و بهتر از برادر نیست. (یا کمیل ان کم تحب اخاک فلست اخاه، ان المومن من قال بقولنا، فمن تخلف عنه قصر عنا و من قصر عنا لم یبلحق بنا و من لم یکن معنا ففی الدرک الاسفل من النار). ای کمیل! اگر برادرت را دوست نداری برادرش نیستی مؤمن کسی است که پیرو ما ائمه معصومین باشد و گفتار ما را بگوید پس کسی که از گفتار ما تخلف کند از ما بریده و کسی که از ما جدا شود به ما ملحق نمی گردد و با ما نمی باشد پس (در آن صورت) در درک اسفل از آتش است. (یا کمیل کل مصدور ینفث فمّن نفث الیک منا بامر امرک بستر فاباک ان تبدیه ولیس لک من ابدائه توبه و اذا کم یکن توبه فالمصیر الی لطفی). ای کمیل! هر افسرده دلی که دل اندوه بار دارد اظهار درد دل می کند، پس کسی که اظهار درد دل با تو نمود آن را مستور کن مبدا آن را برای غیر اظهار و افشا کنی، زیرا افشای آن توبه ندارد و گناهی که توبه نداشته باشد عاقبت آن آتش دوزخ است. (یا کمیل اذاعه سر آل محمد (صلوات الله علیهم) لایقبل منها ولا یحتمل احد علیها و ما قالوه فلا تعلم الا مومنا موقفا). ای کمیل فاش کردن سر آل محمد (صلی الله علیه و آله) قابل جبران و گذشت نیست و از کسی تحمل نمی شود و سر آل محمد (صلی الله علیه و آله) را جز به مومن موفق و با هوش نگوئید. (یا کمیل قل عند کل شده: (لاحول ولا قوة الا بالله) تکفها و قل عند کل نهمة: (الحمد لله) تردد منها. و

اذا ابطات الا- رزاق عليك فاستغفر الله يوسع عليك فيها). ای کمیل در هنگام هر شدت و سختی بگو (لا حول ولا قوة الا بالله) که خدایتعالی بوسیله آن ترا نجات می دهد. و نزد نعمت بگو (الحمد لله) که خداوند آن را فروزی می بخشد. پس هنگامی که رزق تو دیرتر رسید استغفار کن خداوند در کار تو گشایش می دهد. (یا کمیل انه مستقر و مستودع فاحذر ان تكون من المستودع عین و انما يستحق ان يكون مستقرا اذا لزمته اجادة الواضحة التي لا تخربك الى عوج ولا تزيلك عن منهج). ای کمیل! ایمان بر دو قسم است: مستقر و مستودع، (یعنی ایمان ثابت و ایمان عاریتی) بهره‌یز از ایمان عاریتی، و اگر می خواهی حتما مستحق آن باشی که ایمان مستقر داشته باشی، هنگامی به آن موفق می شوی که ملازم راه و روش باشی که ترا به راه انحرافی نکشاند و از راه دست بر نگرداند: (یا کمیل لا- رخصة فی فرض ولا شده فی نافله) ای کمیل! برای کسی اجازه نیست واجبی را ترک کند و در انجام مستحبات به زحمت و مشقت بیفتد (یعنی در صورت مشقت داشتن نوافل، ترک آن جایز است). (یا کمیل انج بولايتنا من ان يشر كك الشيطان فی مالک و ولدك) ای کمیل به وسیله ولایت و دوستی خود را نجات ده که شیطان در مال و اولاد تو شرکت نکند. (یا کمیل ان ذنوبك اكثر من حسناتك و غفلتك اكثر من ذكرك و نعم الله عليك اكثر من عملك) ای کمیل! به تحقیق که گناهان تو بیشتر از کارهای نیک تو است و غفلت تو از یاد خدا بیشتر از ذکر و یاد خداست و نعمتهای خدا بیش از عمل و کارهای تو است. (یا کمیل انك لا تخلو من نعم الله عندك و عافيتك اياك، فلا تخل من تحميدة و تمجیده و تسبیحه و تقدیسه (و شکره) و ذکره علی کل حال). ای کمیل بیرون از نعمتهای خدا نیستی، در حالی که عافیت را به تو عنایت کرده (یعنی سرآمد تمام نعمتها عافیت است) بنابراین هیچگاه از حمد و تمجید و تسبیح و تقدیس و شکر گزاری و یاد او فارغ مباش (یعنی سلامت، بدان واجد همه نعمتهای خدا هستی بنابراین، غفلت از سپاسگزاری او ممکن و در همه حال به یاد او باش. (یا کمیل لا تكونن من الذين قال الله (نسوا الله نسيتهم انفسهم) و نسبهم الى الفسق فهم فاسقون). ای کمیل! سعی کن از آنهایی نباشی که خدای تعالی درباره آنها فرموده: (آنها خدا را فراموش کردند، پس خدا خودشان را از یاد خودشان برد) و نسبت فسق به آنها داد پس آنها فاسقند. (یا کمیل ليس الشان ان تصلي و تصوم و تتصدق، الشان ان تكون الصلاة بقلب نقی و عمل عند الله مرضی و خشوع سوی و انظر فيما تصلي و علی ما تصلي ان لم يكن من وجهه وحله فلا قبول). ای کمیل! کار (شاءن) آن نیست که نماز بخوانی و روزه بگیری و صدقه دهی؛ بلکه کار آنست که نماز تو با قلب پاکیزه و کار خدا پسند و خشوع کامل باشد و بین در چه لباسی و بر چه زمین و فرش نماز می گزاری؟ اگر از راه مشروع و حلال نیست نماز تو قبول نخواهد شد. (یا کمیل اللسان ينزح من القلب و القلب يقوم بالغذاء فانظر فيما قلبك و جسمك فان لم يكن ذلك حلالا لم يقبل الله تسبيحك ولا شكرك). ای کمیل! زبان آنچه می گیرد و می گوید، از دل است و دل انسان قوامش به غذا است. بین دل خود را به چه وسیله تغذیه می کنی؟ اگر از راه حلال نیست، خدای تعالی تسبیح و ذکر ترا نمی پذیرد. (یا کمیل افهم و اعلم انا لانرخص فی ترك اداء الامانة لاحد من الخلق، فمن روى عني في ذلك رخصة فقد ابط و اثم و جزاؤه النار بما كذب، اقسام لسمعت رسول الله (صلی الله علیه و آله) يقول لی قبل وفاته بساعة مرارا ثلاثا: يا ابا الحسن اءد (اء) الامانة الى البر و الفاجر فيما جل و قل حتى الخيط و المخيط. ای کمیل بفهم و بدان ما کسی را از مردم در ترک امانتها رخصت نمی دهیم، پس کسی که از من نقل کند چنین رخصتی را بتحقیق بیهوده و گناه است و پاداش او آتش است به واسطه دروغی که گفته. سوگند یاد می کنم هر آینه شنیدم از پیغمبر اکرم، یک ساعت قبل از وفاتش که سه مرتبه فرمود: یا ابا الحسن! (کینه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است) امانت را به صاحبش رد کن، خواه نیکوکار باشد یا بدکار، خواه امانت کوچک باشد یا بزرگ ولو یک رشته نخ باشد. یا کمیل لاغز والا مع امام عادل ولا نفل الا نفل الا من امام فاضل ای کمیل! جنگ و جهادی نیست مگر با امام عادل (یعنی با اذن و اجازه او) و استحبابی در نماز جماعت نیست مگر با امامی که دارای فضیلت است (یعنی امام جماعت حتما باید یک مزیت به ماء موم داشته باشد). یا کمیل لولم يظهر نبی و كان فی الارض مومن تقی لكان فی دعائه الى الله مخطئا او مصيبا، بل و الله مخطئا حتى ينصبه الله لذلك و يوهله له. ای کمیل! اگر پیامبری روی

زمین ظاهر نمی شد و در روی زمین یک مؤمن پرهیزکار می بود ، هر آینه در دعای خود به سوی خدا یا خطاکار بود و یا به هدف رسیدن و مصیب بود . (بعد فرمود) بلی قسم به خدا خطاکار بود تا اینکه خدای تعالی برای شما یک پیامبر می فرستاد و به مقام پیامبری او را منصوب می کرد و اهل بیت و شایستگی او را گواهی می نمود . یا کمیل الدین لله فلا یقبل الله من احد القیام به الا رسولاً اونیا اووصیا . ای کمیل ! دین ، دین خداست . و خداوند قیام بر دین را از هیچ کس نمی پذیرد مگر از رسول یا نبی یا وصی باشد . یا کمیل هی نبوة و رسالة و امامة و لیس بعد ذلک الاموالین متبعین او عامهین مبتدعین ، انما یتقبل الله من المتقین . ای کمیل ! (رهبری جامعه مسلمین به واسطه) نبوت و رسالت و امامت است و غیر از اینها ، یا ولایت از طرف امام دارند یا متحیر و بدعتگزار . بدرستی که خداوند کارهای نیک را از پرهیزکاران می پذیرد . یا کمیل ان الله کریم حلیم عظیم رحیم دلنا علی اخلاقه و امر نابالاً خذبها و حمل الناس علیها ، فقد ادیناها غیر متخلفین و ارسلناها غیر منافقین و صدقناها غیر مکذبین و قبلناها غیر مرتابین . ای کمیل ! خدای تعالی کریم و حلیم و عظیم و رحیم است خداوند دلالت کرده ما را به اخلاق و صفات خویش . امر کرده ما را که اخلاق او را در خود پیاده کنیم و مردم را نیز وادار به آن اخلاق نمائیم . پس به تحقیق ما ، این وظیفه را ادا نمودیم و بدون تخلف و دو روئی ، آن را به مردم رسانیدیم و بدون تکذیب احکام و دستورات الهی را تصدیق نمودیم و بدون شک و تردید آن را قبول کردیم . (یا کمیل لست و الله متملقاً حتی اطاع ولا ممیناً حتی لا اعصى ولا مائلاً اطعام الاعراب حتی انحل امره المومنین و ادعی بها) . ای کمیل ! به خدا قسم ، من آن نیستم که چالوسی کنم تا مرا اطاعت کنند . و این تمنا را ندارم که با من مخالفت نکنند و رشوه به اعراب نمی دهم که مرا امیر المؤمنین بگویند . توضیح آنکه این اوصافی را امیر المؤمنین می شمارد ، اوصافی است که در معاویه و معاویه صفتان وجود دارد چون معاویه گاهی نهایت چالوسی را می کرد برای اغفال مردم و آرزوی او این بود که مردم با آرمانهای سیاسی او مخالفت نکنند . (یا کمیل انما حظی من دنیا زائلة مدبره و نحطی باخرة باقیه ثابتة) . ای کمیل ! کسانی که از دنیا بهره و رشدند ، بهره دنیا زوال پذیر و گول زننده است و بهره ما از آخرت ، باقی و ثابت است . (یا کمیل ان کلا یصیر الی الاخرة والدی نرغب فیہ منها رضی الله والدرجات العلی من الجنة التي یورثها من کان تقیا) . ای کمیل ! تمام مردم به سوی آخرت می روند ، ولی چیزی که ما از آخرت می خواهیم رضای خدا و درجات عالی بهشت است که از خدای تعالی آن را به پرهیزکاران ارث می دهد . (یا کمیل من لایسکن الجنة فبشرة بعذاب الیم و خزی مقیم : ای کمیل ! کسی که ساکن بهشت نشد پس مژده او را به عذاب دردناک و پستی دائمی) . (یا کمیل انا احمد الله علی توفیقه و علی کل حال اذا شئت فقم ای کمیل ! من خدای را در هر حال سپاس می گذارم بر توفیقی که به من عنایت فرموده (سپس فرمود) اگر خواستی بروی برخیز یعنی وقت تمام شده که این خود دستوری است درباره نظم در وقت و کارها) .

فضلیت و اهمیت دعا و آداب آن

۱- فضلیت و اهمیت دعا

روایات و آیات در فضلیت و اهمیت دعا بسیار است از آن جمله در سوره بقره آیه ۱۸۲ می فرماید : (و اذا سئلك عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعکم یرشدون ای پیغمبر ! هرگاه بندگان من از من سؤال کنند پس به تحقیق که من نزدیکم اجابت می کنم دعای دعا کننده را هنگامی که مرا می خواند پس باید اجابت کنند از من و ایمان بیاورند به من شاید ارشاد شوند) . و اما روایات : ۱- پیغمبر اکرم می فرماید (الدعا مخ العبادة (۹) دعا مغز عبادت است) . ۲- و نیز می فرماید : (ان لایخطئه من الدعا احدی ثلاثة اما ذئب یغفرله و اما خیر یعجل له و اما خیر یدخرله (۱۰) بنده مومن از دعا بی بهره نمی ماند بلکه یکی از سه چیز عاید او می شود ؛ یا گناهی از او آمرزیده می شود و یا خیر دنیا و یا ذخیره و خیر آخرت به او می رسد) .

۳- و نیز می فرماید : (سلو الله من فضله فانه يحب ان يسال و افضل العبادۃ انتظار الفرج (۱۱) از فضل خدای تعالی در خواست کنید زیرا خدا دوست دارد که از او بخواهند ، و بهترین عبادت انتظار فرج است) . ۴- از حضرت امام محمد باقر علیه السلام سؤال کردند (ای العبادۃ افضل ؟ فقال : ما من شیء افضل عند الله من ان يسال و يطلب مما عنده و ما احد ابغض الى الله ممن يستکبر عن عبادته و لا يسال ما عنده (۱۲) چه عبادتی بهتر است ، حضرت فرمود هیچ چیز بهتر نزد خدای تعالی نیست از کسیکه از عبادت خداوند تکبر می ورزد و از آنچه نزد او است سؤال نمی کند) . ۵- باز از حضرت باقر نقل نموده اند که فرمود : (علیکم بالدعا فانکم لا تقریون بمثلہ ولا تترکوا صغیرۃ لصغیرها ان تدعوا بها ان صاحب الصغار هو صاحب الکبار بر شما باد به دعا کردن ، زیرا شما به هیچ عبادتی مانند دعا به خدا نزدیک نمی شوید . و دعای کوچک را ترک نکنید به واسطه کوچکی آن و آن را بخوان به تحقیق که صاحب دعای کوچک همان صاحب دعای بزرگ است . ۶- حضرت صادق به میسر که یکی از یارانش بود فرمود : (یا میسر ، ادع ولا تقل ان الامر قد فرغ منه ان عند الله منزله لا تنال الا بمسلۃ ولو ان عبدا سد فاه ولم یسل لم یعط شیئا فسل تعط یا میسر انه لیس من باب یقرع الا یوشک ان یفتح لصاحبه (۱۳) ای میسر ! دعا کن مگو که کار گذشته است ، به تحقیق نزد خدای تعالی منزلت و مقامی است که به آن نمی رسی مگر به وسیله سؤال و دعا کردن و اگر چنانچه بنده ای دهانش از دعا بسته شود و دعا نکند چیزی به او داده نخواهد شد ، پس از خدا بخواهید به شما عطا می کند . ای میسر هر دری کوبیده شده امید است که به روی صاحبش باز شود) . ۷- (قال امیر المؤمنین ان احب الاعمال الى الله تعالی فی الارض الدعاء و افضل العبادۃ العفاب و قال : و کان امیر المؤمنین علیه السلام وجلا دعاء (۱۴) محبوب ترین اعمال نزد خدا در زمین دعا است و بهترین عبادت عفت است . بعد حضرت صادق فرمود امیر المؤمنین علیه السلام مردی بود بسیار دعا کننده) . ۸- و نیز از حضرت صادق نقل شده است که فرمود : (من لم یسل الله من فضله افتقر (۱۵) کسی که از فضل خداوندی سوال نکند نیازمند می شود) . ۹- (قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) : (الدعاء سلاح المومن و عمود الدین و نور السموات و الارض (۱۶) دعا اسلحه مومن عمود دین و نور آسمانها و زمین است) . ۱۰- (قال امیر المؤمنین علیه السلام : الدعاء مفاتیح النجاة و مقالید الفلاح و خیر الدعاء ما صدر عن صدر نقی و قلب و فی المناجاة و سبب النجاة و بالا خلاص یكون الخلاص فاذا اشتد الفرع فالی الله المفرع (۱۷) دعا کلید موفقیت و راه گشا به سوی رستگاری است ، و بهترین دعا آن دعائی است که از سینه پاک و دل با تقوی بیرون می آید ، و در مناجات است که دعا وسیله رستگاری است و به سبب اخلاص انسان از بلاهای دنیا و عذاب آخرت خلاصی می یابد ، پس در هنگام ناراحتی و فرغ شدید به خدا پناه ببرید) ۱۱- (قال امیر المؤمنین الدعاء ترس المومن و متى تکثر قرع الباب یفتح لک (۱۸) دعا سپر مومن است از بلا و هر گاه کوبیدن دری زیاد شد در به روی تو باز می شود) . ۱۲- (الدعاء انقذ من السنان الحديد دعا از نیزه آهنین کارگرتر است) . ۱۳- عمر بن یزید گوید از حضرت موسی بن جعفر شنیدم که فرمود : (ان الدعاء یرد ما قدر و مالم یقدر قلت ما قدر قد عرفته فمالم یقدر قال حتی لا یكون (۱۹) دعا رد می کند بلائی را که مقدر شده و بلائی را که مقدر نشده . راوی عرض می کند بلائی که مقدر شده معلوم است و اما بلائی که مقدر نشده چیست ؟ حضرت فرمود چیزی که مقدر نشده آن بلائی است که باید مقدر بشود و دعا سبب می شود که مقدر نشود) . ۱۴- حضرت صادق به یکی از یاران خود فرمود : (علیک بالدعا . فان فیہ شفاء من کل داء (۲۰) بر تو باد به دعا زیرا شفای هر دردی است) .

۲- آداب دعا

فیض کاشانی - بر اساس روایات - ده چیز را از آداب دعا ذکر نموده است : ۱- مترصد بودن اوقات شریفه ؛ از روزها مانند روز عرفه که روز نهم ذیحجه است . و از ماه ها ماه رمضان و از ایام هفته روز جمعه و از اوقات هنگام سحر یعنی آخر شب نزدیک به صبح که در فضیلت تمام این اوقات روایت شده است و در این مواقع دعا به اجابت می رسد . ۲- غنیمت شمردن حالات شریفه ،

مانند حالی که دو صف کفر و اسلام روبرو می شوند و آن حالت انقطاع است و دعا در آن حال به اجابت می رسد. روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: (اطلبوا الدعاء فی اربع ساعات عند هبوب الرياح و زوال الافیاء و نزول المطر و اول قطره من دم القتل المومن فان ابواب السماء تفتح عند هذه الاشياء (۲۱)) در چهار ساعت (وقت) دعا کنید و خواسته های خود را از خدا بخواهید: هنگام وزش بادهای و هنگام زوال ظهر و هنگام نزول باران و هنگامی که اول قطره خون شهید در راه خدا به زمین ریخته می شود که در این اوقات درهای آسمان گشوده می شود). و همچنین هنگام اقامه نماز و بین اذان و اقامه و در حال روزه که در تمام این حالات دعا مستجاب است. ۳- روزه قبله دعا کند و دستهای خود را طوری بلند که زیر بغل او ظاهر گردد، سلمان نقل می کند که پیغمبر اکرم فرمود: (ان ربکم حی کریم یستحی من عبده اذا رفع یدیه الیه ام یردهما صفرا (۲۲) پروردگار شما زنده و حیات بخش و بزرگوار است، از بنده خود حیاء می کند که دست او به طرفش بلند شود و او را دست خالی برگرداند). ۴- (خفض الصوت) یعنی در هنگام دعا کردن نه آواز خود را خیلی بلند و نه خیلی آهسته بلکه حال متوسط داشته باشد. در روایت دارد هنگامی که پیغمبر اکرم به مدینه مهاجرت کرد وقتی نزدیک مدینه رسیدند مردم صدای خود را به تکبیر بلند کردند، حضرت فرمود: (یا ایها الناس ان الذی تدعون لیس باصم ولا غائب ان الذی تدعون بینکم و بین اعناق رکابکم (۲۳) آن خدایی را که شما می خوانید نه کر است و نه غائب و به تحقیق آن کس را که شما می خوانید همیشه با شما است و از رگ کردن به شما نزدیکتر است). ۵- در دعا خود را به زحمت قافیه سنجی مقید نکند؛ زیرا حال دعا کننده حال تضرع است و تضرع با تکلف سازگار نیست چنانچه خدای تعالی می فرماید: (ادعوا ربکم تضرعاً و خفیة انه لا یحب المعتدین (۲۴) خدا را با تضرع و پنهانی بخوانید که خدا متجاوزین را دوست ندارد). تجاوز در دعا را امیرالمؤمنین بیان فرموده است که: ای دعا کننده چیزی که نشدنی و چیزی که مشروع نیست از خدا تقاضا مکن). غزالی می گوید مقصود از آیه این است که دعا کننده از دعاهای ماءثور تجاوز نکند، یعنی دعاهایی که از پیغمبر و ائمه معصومین رسیده از آنها تجاوز نکند. ۶- تضرع وزاری کردن در دعا، چنانکه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: (اذا احب الله تعالی عبدا ابتلاه حتی یسمع تضرعه (۲۵) وقتی خدای تعالی بنده ای را دوست بدارد او را مبتلا می کند تا تضرع وزاری او را بشنود). و در فقره دعا است که: (ولا ینجینی منک الا لتضرع الیک (۲۶) رهایی نمی دهد مرا از بلاها مگر تضرع وزاری به سوی ذات مقدس تو). ۷- یقین داشته باشد که دعای او اجابت می شود چنان که پیغمبر اکرم فرمود: ادعوا الله تعالی و انتم موقنون بالا جابة و اعلموا ان الله سبحانه لا یتجیب دعاء من قلب غافل (۲۷) خدا را بخوانید در حالی که یقین داشته باشید که خدا شما را اجابت می کند و بدانید که خدای تعالی اجابت نمی کند دعا را از دل انسان غافل). در حدیث دیگر از امیرالمؤمنین نقل شده که (اذا دعوت الله فاقبل بقلبك و ظن ام حاجتك بالباب (۲۸) هنگام دعا با حضور قلب دعا کن و اطمینان داشته باش که حاجت تو بر در خانه است). ۸- الحاح و اصرار در دعا کردن و دعا را سه مرتبه تکرار کردن. ابن مسعود نقل می کند که پیغمبر اکرم وقتی دعا می کرد سه مرتبه آن را تکرار می کرد. از حضرت باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: (و الله لا یلح عبد مومن علی الله فی حاجته الا قضاها له (۲۹) قسم به خدا که بنده مومن اصرار نمی کند در دعا مگر آنکه خدای تعالی حاجت او را بر آورده می کند). ۹- دعا را با ذکر خدا شروع کند، که از حضرت صادق نقل شده که به حارث بن مغیره فرمود: (ایاکم اذا اراد ان یسال احدکم ربه شیئا من حوائج الدنیا حتی یبدا بالثناء علی الله عزوجل و المدح له و الصلاة علی النبی (صلی الله علیه و آله) ثم یسل الله حاجته (۳۰) بر شما باد که هر گاه خواستید چیزی از امور دنیا بخواهید اول به حمد و ثنای خدای تعالی و درود و صلوات بر پیغمبر ابتدا کنید سپس حاجت خود را از خدا بخواهید). یعنی از شرائط دعا است که اول به حمد ثنای الهی شروع کند و بعد مشغول دعا شود به خصوص صلوات بر محمد و آل او؛ زیرا معصوم می فرماید: قبل از دعا صلوات بفرستید و بعد از دعا نیز صلوات بفرستید دعای شما مستجاب می شود به واسطه آنکه صلوات دعایی است که اجابت می شود و ذات مقدس منزّه است که دعای اول آخر را اجابت کند و دعای وسطی را رد کند. هشام بن سالم از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: (لا یزال

الدعاء محجوباً حتی یصلی علی محمد و آل محمد (۳۱) دعا به آسمان بالا نمی رود مگر هنگامی که دعا کننده بر محمد و آلش صلوات بفرستد). ۱۰ - آداب باطنی است که در اجابت دعا نقش مهم و موثری دارند مانند توبه ورد مظالم و توجه به طرف خدای تعالی به تمام وجود، لذا در روایت وارد شده که پیغمبر اکرم فرمود: (من احب ان يستجاب دعاءه فليطب مطعمه و كسبه (۳۲) کسی که دوست دارد دعای او مستجاب شود باید اجابت دعا را در خوراک و کاسبی خود جستجو کند). و نیز پیغمبر اکرم فرمود: (ترك لقمة حرام احب الى الله من الفی ركعة تطوعاً ورد دانق حرام يعدل عند الله سبعین حجة مبرورة (۳۳) ترك يك لقمة حرام نزد خداوند متعال محبوب تر است از دو هزار رکعت نماز مستحبی، و یک دانه حرام را رد کردن نزد خدای تعالی برابر است با هفتاد حج پسندیده و مبرور). و همچنین پیغمبر اکرم فرمود: (العبادة مع اكل الحرام كالبناء على الرمل (۳۴) عبادت با حرام خوردن مانند ساختمان است که بر روی شن بنا شده باشد) و در بعضی از روایات دارد: مانند ساختمانی اسن بر روی آب بنا شده باشد. علامه فیض می فرماید: از این اخبار ده ادب دیگر استفاده می شود، بعد به این ترتیب آنها را می شمرد: ۱ - بیان حاجت و نام بردن آن در دعا، چنانچه امام صادق علیه السلام می فرماید: خدای تعالی اراده بنده را می داند ولی دوست دارد که حوائج نزد او ذکر شود. ۲ - تعمیم در دعا؛ یعنی دعای عمومی کردن. ۳ - پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: اگر یکی از شما دعا می کند باید عمومی دعا کند. مثلاً برای همه از خدا طلب سلامت و سعادت و روزی بنماید. ۴ - اجتماع در دعا؛ یعنی دستجمعی دعا کردن، چنانچه از امام سجاد روایت شده که: هیچ جمعیت چهل نفری خدا را نمی خوانند مگر آن که خدای تعالی ایشان را اجابت می کند. و اگر چهل نفر نبودند چهار نفر ده مرتبه خدا را بخوانند و اگر چهار نفر نبودند یک نفر چهل مرتبه تکرار کند، خداوند عزیز جبار دعای ایشان را اجابت می کند. ۵ - گریه کردن در حال دعا. سید بن طاووس در کتاب (عدة الداعي) گوید این از بزرگترین آداب و نقطه اوج آداب در دعا کردن است لذا حضرت صادق علیه السلام می فرماید: (اذا اقشعر جلدك ودمعت عيناك ووجل قلبك فدونك فقد قصد ولان جمود العين من قساوة القلب علی ما ورد به الخبر وهو يؤذن بالسعد من الله سبحانه و فيما اوحى الله تعالى الى موسى يا موسى لا تطول في الدنيا املك فيفسو قلبك وقاسی القلب منی بعيد (۳۵) هرگاه پوست بدن تو لرزید و اشک چشمت جاری شد و دل تو لرزید در آن هنگام از آن حال استفاده کن و بدان به مقصود خود نائل شده ای زیرا خشکی چشم از قساوت قلب است چنان که در روایت وارد شده و همان حال اعلام می کند که بنده از خدا دور است و از چیزهایی که به موسی وحی شده که ای موسی آرزوی خود را در دنیا دراز مکن تا گرفتار سنگ دلی شوی چون کسی که سنگ دل شود از من دور است). ۶ - اعتراف به گناه که منشاء دو چیز است: ا - انقطاع الی الله؛ یعنی منقطع شدن از مردم و توجه کامل به خداوند متعال. ب - شکسته نفسی و تواضع در مقابل عظمت حق تعالی چنان که معصوم می فرماید (من تواضع لله رفعه الله (۳۶) کسی که برای خدای تعالی تواضع کند خدا او را بلند می گرداند) و خدای تعالی نزد دل‌های شکسته است). حضرت صادق علیه السلام می فرماید: (اذا راق احدكم فليدع فان القلب لا يرق الا حين يخلص (۳۷) هر زمانی که حالت رقت بر شما دست داد دعا کنید زیرا قلب رقت پیدا نمی کند مگر هنگامی که خالص شود). و شکس نیست که گناه مانع استجاب دعا است. و در روایت از حضرت صادق نقل شده که درباره دعا می فرماید: (انما هي المدحة ثم الثناء ثم الاقرار بالذنب ثم المسئلة انه والله ما خرج عبد من ذنب الا بالاقرار) (۳۸) که در این حدیث دعا را به مراتبی تقسیم می کند: ا - مدح و ثنای خدای تعالی ب - اقرار به گناهان ج - حاجت خواستن سپس معصوم می فرماید: قسم به خدا به کسی از گناهان بیرون نمی رود مگر به وسیله اقرار به گناهان. ۶ - توجه قلبی؛ یعنی در حال دعا تمام اقبال و توجهش به طرف ذات مقدس باشد، زیرا کسی که توجه به او نکند شایسته آن نیست که به او توجه نمائی همان طور که اگر کسی با تو سخن بگوید در حالی که می دانی توجهش به طرف تو نیست او مستحق است که تو نیز به او توجه نداشته باشی، لذا امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: (لا يقبل الله دعاء قلب لاه (۳۹) خدا قبول نمی کند دعا را از دلی که به غیر او مشغول است و نیز حضرت صادق علیه السلام می فرماید: (اذا دعوت الله فاقبل بقلبك (۴۰) هرگاه

دعا می کنی با دل خود توجه به خدای تعالی کن) . ۷- اول دعا بعد حاجت خواستن . پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به ابوذر فرمود : (الا- اعلمک کلمات ینفعک الله عزوجل بهن قال بلی رسول الله ، قال : احفظ الله تجده امامک تعرف الى الله فی الرخاء يعرفک فی الشدة (۴۱) ای ابوذر تعلیم ندهم به تو کلماتی که به وسیله آنها خداوند بتو سود می رساند ؟ عرض کرد بلی یا رسول الله . حضرت فرمود خدا را فراموش نکن همیشه او را جلو خود می بینی (یعنی ترا از بلاها حفظ می کند) در هنگام آسایش خدا را بشناس در شدت به داد تو می رسد) . امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود : کسی که از بلا و مصیبتی می ترسد و قبل از نزول مصیبت دعا کند آن مصیبت بر او وارد نمی شود . ۸- دعا برای برادران و در خواست دعا از ایشان ، لذا از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمود : (من قدم اربعین من المؤمنین ثم دعا استجیب له (۴۲) کسی که اول برای چهل نفر از مومنین دعا کند بعد برای خودش دعا کند خدا دعای او را اجابت می نماید) . پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود : هیچ دعائی سریعتر از دعای مومنی که برای برادر غائبش می کند به اجابت نمی رسد . و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود : (دعاء الرجل لاخته بظهر الغیب یدر الرزق و یدفع المکروه (۴۳) دعای شخصی پشت سر برادرش سبب زیادتی رزق و دفع شدت و مکروه می شود) . ۹- در حوائج خود بر غیر از خدا تکیه نکند ، چنان که خدای تعالی می فرماید : (و من یتوکل علی الله فهو حسبه) (۴۴) کسی که بر خدا تکیه کند خدا امر او را کفایت می کند . و نیز حفص بن غیاث از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود : (اذا اراد احدکم ان لا یسل ربه شیئا الا اعطاه فلییاس من الناس کلهم ولا یكون له رجاء الا [من] عندالله فاذا علم الله ذلک من قلبه لم یسله شیئا الا اعطاه (۴۵) هر گاه می خواهید یکی از شما هر چه از خدا بخواهد خدا به او عطا فرماید باید از تمام مردم مایوس شود و امیدی جز به خدا نداشته باشد وقتی که این حالت را خدای تعالی در باطن او یافت هر چه از او بخواهد به او عنایت می کند) . ۱۰- از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود : در دعا رعایت ادب کن و بین چه کسی را می خوانی و چگونه می خوانی و برای چه می خوانی و عظمت و کبریائی او را در نظر بگیر که بر سر و باطن تو آگاه است و آنچه از حق باطل در دل تو هست آنها را می داند ، و ضمنا هلاک و نجات خود را بشناس تا گاهی به عوض این که دعا برای نجات خود کنی دعا برای هلاک خود نمایی ، و بدان اگر چنانچه خدا ما را امر به دعا نمی کرد ولی خالصانه او را می خواندیم ما را اجابت می نمود پس به طریق اولی ما را اجابت می کند در صورتی که ما را امر کرده به دعا نمودن . از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سوال کردند که (اسم اعظم) کدام است فرمود : (کل اسم من اسماء الله اعظم و فرغ قلبک عن کل من سواه و ادعه بای اسم شئت (۴۶) هر اسمی از اسماء خدای تعالی اسم اعظم است ، دل خود را از غیر خدا خالی کن و به هر اسمی می خواهی او را بخوان ترا اجابت می کند .

پی نوشتها

- ۱- کافی ، ج ۲ ص ۴۶۸ . ۲- الخصال ، ص ۱۸۶ ، با مختصر اختلاف . ۳- سوره حجر ، آیه ۲۹ . ۴- سوره فجر ، آیه ۲۸ . ۵- سوره آل عمران ، آیه ۱۸۷ . ۶- مصباح کفعمی ، ص ۵۵۵ . ۷- تفسیر الاصفی ص ۳۷۴ . ۸- تحف العقول ص ۱۱۴ . ۹- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۸۲ و ۲۸۳ . ۱۰- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۸۲ و ۲۸۳ . ۱۱- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۸۲ و ۲۸۳ . ۱۲- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۸۳ و ۱۳- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۸۳ و ۱۴- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۸۳ و ۱۵- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۸۳ و ۱۶- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۸۴ و کافی ج ۲ ص ۴۶۸ . ۱۷- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۸۴ . ۱۸- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۸۴ . ۱۹- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۸۴ . ۲۰- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۸۵ . ۲۱- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۸۷ . ۲۲- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۸۸ . ۲۳- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۹۱ . ۲۴- سوره اعراف ، آیه ۵۵ . ۲۵- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۹۳ . ۲۶- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۹۳ . ۲۷- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۹۴ . ۲۸- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۹۴ . ۲۹- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۹۵ . ۳۰- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۹۶ . ۳۱- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۲۹۷ . ۳۲- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ، ص ۳۰۱ . ۳۳- المحجۃ البیضا ، ج ۲ ،